آینه

ایران

سرمقاله: «در ستایش نقد»؛ علی شکوهی

اظهارات رییس‌جمهوری در تالار وحدت، نوید فضای فرهنگی بازتری را به هنرمندان و نویسندگان داد و امیدشان را به ایجاد تغییرات مناسب در حوزه تولید فکر و اندیشه و در قالب کتاب، فیلم، موسیقی و... بیشتر کرد... به تعبیر مرحوم شریعتی، دلیل عدم وقوع انقلاب در جوامع غربی، «به سر عقل‌آمدن سرمایه‌داری» و جدی‌گرفتن انتقادهایی بود که کمونیست‌ها مطرح کرده بودند و این قدرت هاضمه نظام‌های سیاسی کارآمد را نشان می‌دهد که همه انتقادها و اعتراض‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند و آن را به وسیله بقا و تداوم حیات خود تبدیل می‌کنند. در «نظام پیشنهادها» که سازوکاری برای کارآمدکردن کارگاه‌ها و ادارات و حتی نظام سیاسی محسوب می‌شود، صاحبان صنایع و مدیران دولتی و مسوولان سیاسی، بودجه مستقلی را به این امر اختصاص می‌دهند تا به اشکال و ایراد کار خود پی ببرند و با اصلاح آنها، بر کارآمدی سازوکار و افزایش بهره‌وری سیستم خود بیفزایند. آیا مناسب است در شرایطی که دیگران هزینه می‌کنند تا انتقاد بخرند، ما از طرح رایگان انتقادها و اشکالات از سوی دیگران بهراسیم؟

جمهوری اسلامی

سرمقاله: «نکاتی در مورد فرصت شش‌ماهه توافق ژنو»

فعالان اقتصادی کشور در بخش غیردولتی باید نگاهی صحیح به توافقنامه ژنو و فرصت فراهم‌شده به واسطه این توافق داشته باشند. واقعیت این است که مهلت شش‌ماهه ایجادشده، بهترین و مهم‌ترین فرصت برای بازتعریف، شناساندن فرصت سرمایه‌گذاری و حضور فعالان و سرمایه‌گذاران خارجی در ایران است و فعالان و تجار بخش خصوصی مناسب‌ترین افراد برای این معرفی هستند. فعالان اقتصادی کشورمان باید با استفاده از ارتباطات مویرگی خود با فعالان اقتصادی غیردولتی دیگر کشورها و با بهره‌گیری از حسن اعتماد موجود میان طرف‌های تجاری ایرانی و خارجی، این واقعیت را برای سرمایه‌گذاران خارجی تشریح کنند که فرصت و بسترهای بسیار مناسبی برای سرمایه‌گذاری در ایران وجود دارد. فعالان اقتصادی خارجی باید پیام دوستی و صلح‌خواهی مردم ایران را از زبان بازرگانان و فعالان اقتصادی ما بشنوند تا به واسطه انتقال این پیام به مردم و دولت‌هایشان تبدیل شوند.

قانون

یادداشت: «گام بعدی دیپلماسی بعد از شکستن تحریم‌ها»؛ حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

اساس توافقنامه بر این است که بعد از اجرای آزمایشی شش‌ماهه، روند تعدیل تحریم‌ها بیشتر خود را نشان دهد. مخالفان توافق علیه اجرای این بند تلاش خواهند کرد، بالاخص لابی‌های صهیونیستی و عربستان و لابی‌های خشونت‌طلب علیه ایران در سنای آمریکا، اما دولت اوباما هم می‌داند که اگر به این قسمت ورود کند توافقنامه را به شکست می‌رساند. یک تضاد ماهوی نیز بین طرف افراطی ایرانی و طرف افراطی غربی وجود دارد، افراطی‌های داخل ایران کسانی‌اند که قاطبه آنها از روی دلسوزی این کار را می‌کنند اما کسانی که در آمریکا با توافقنامه مخالفت می‌کنند کسانی هستند که دستشان به خون میلیون‌ها انسان در خاورمیانه آلوده است و در حال حاضر هم در مجلس نمایندگان و سنا حضور دارند و به دنبال جنگ هستند چون اساسا فکرشان با جنگ شکل گرفته است. پس بین افراطی‌های غربی با مخالفان ایرانی توافقنامه تفاوت بسیاری وجود دارد.

جوان

یادداشت: «خاصیت سفرهای انگلیسی»؛ محمدجواد اخوان

سفر چند روز پیش جک استراو به‌عنوان سرپرست هیات پارلمانی انگلستان به تهران، تا حدی مورد توجه محافل سیاسی و رسانه‌ای قرار گرفت که موجبات ذوق‌زدگی عده‌ای در داخل کشورمان را فراهم آورد... نکته آخری که همچنان برای ناظران لاینحل مانده است، آن است که اگر واقعا آن‌گونه که قبل از انتخابات عنوان می‌گردید، کدخدای اروپایی‌ها، آمریکایی‌ها هستند و - به تعبیری- اروپایی‌ها هم باید اجازه خود را از آمریکایی‌ها بگیرند، آورده و فایده این سفرهای انگلیسی چیست؟

رسالت

سرمقاله: «تعمیق آزادی قلم در جامعه»؛ محمدکاظم انبارلویی

روزنامه شرق دیروز عکس صفحه اول خود را اختصاص به دیدار آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با انجمن موسوم به دفاع از آزادی مطبوعات داد. آقای هاشمی‌رفسنجانی در این دیدار گفت: تلاش برای بی‌خبر گذاشتن مردم، بیهوده است... اعضای محترم انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در دیدار با آیت‌الله هاشمی به روایت شرق دیروز از «تعمیق آزادی قلم در جامعه» سخن گفتند. برخی دیگر از اعضای محترم این انجمن که در ایران هستند و در همین عکس که در روزنامه شرق به همراه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی انداخته‌اند به جرم شرکت در فتنه ۸۸ مدت‌ها زندانی بودند. سوال بنده از آقای هاشمی‌رفسنجانی این است؛ این انجمن با این سوابق و با این اعضایی که در داخل و خارج، اوصافشان را گفتم چگونه می‌خواهند مردم را از بی‌خبری درآورند؟! چگونه می‌توانند مردم را آگاه کنند و جلوی سانسور را بگیرند؟! اینها با این کارنامه فکری و سیاسی نشان داده‌اند می‌خواهند سانسور آمریکایی را در کشور حاکم کنند و مبلغ و مروج فرهنگ آمریکایی باشند. البته این انجمن این قدر صداقت دارد که پنهانکاری نکنند لذا برخی از کادرهای آنها در رسانه‌های آمریکایی علیه نظام و انقلاب بدون پرده‌پوشی رسما می‌جنگند!...

زیرزمین‌های رازآلود

آمنه شیرافکن

این سال‌ها با عملکرد دولت احمدی‌نژاد به جایی رفتیم که نگو و نپرس. نه‌تنها برخی از انواع موسیقی و هنرها زیرزمینی شد که اقتصاد و آدم‌ها هم به قعر زمین رفتند. گویا که دوره «اعتدال» پیش‌رو باید فرصتی برای واکاوی حقایق مدفون‌شده و آدم‌های فراموش‌شده باشد. امروز یکی از همین آدم‌های رازآلود، قرار است روی زمین بیاید و دادگاهی شود. خیلی هم معرفی نمی‌خواهد؛ «سعید مرتضوی» را دیگر بچه‌های کلاس اول هم می‌شناسند. روزنامه‌نگاران از شنیدن نامش خاطره‌ها به یاد می‌آورند و کارگران، این‌روزها، دل پردردی از او و همراهانش دارند.

«زیرزمین»های بیشمار، میراث فکری و عملکردی «محمود احمدی‌نژاد» برای امروز تاریخ و هویت ایرانیان است. خیلی از مردم درگیر قیمت چندبرابرشده مرغ و برنج و غم نان بودند که جناب آقای خاوری با میلیاردهاتومان در جیب، راهی کانادا شد و پرونده اختلاس سه‌هزارمیلیاردتومانی افشا شد.

هنوز ماجرای «خاوری» و پرونده اختلاس سه‌هزارمیلیاردتومانی تعیین تکلیف نشده بود که به یک‌باره خبر رانت‌خواری‌های عجیب «بابک زنجانی» و «خاصه‌بخشی»های آقای مرتضوی مثل بمب صدا کرد و نقش معاون اول دولت دهم در ماجرای اختلاس بیمه ایران و «حلقه فاطمی» بازخوانی شد.

البته اتفاق خاصی هم نیفتاده، تنها نام «بابک زنجانی» و «سعید مرتضوی» و برخی دیگر از زیرزمینی‌ها به روی زمین آمدند. یا به عبارت دیگر رازها از پرده برون افتاد؛ البته آن هم بخشی از رازها و رمزها.

چه بخواهیم و چه نخواهیم این سال‌ها، برخی زیرآبی رفته‌اند. اگر روزی سفره‌های آبی و قنات‌ها، زیر شهر تهران در جریان بود و غنیمتی برای شهر و بی‌آبی‌ها به شمار می‌آمد حالا «سفره‌های فساد زیرزمینی» در گوشه و کنار پراکنده شده و اگر چشم‌های تیزبین زودتر این منابع زیرزمینی را شناسایی نکنند، گفتمان اعتدال هم راه به جایی نخواهد برد.

آقای روحانی چه بخواهد و چه نخواهد تا سال‌های آینده باید شاهد رسیدگی به انواع پرونده‌های دولت‌های نهم و دهم باشد. هرچند برخی جریانات سیاسی از سر شوخی و تفریح بنا دارند پرونده زنجانی را تا دوران اصلاح‌طلبی متصل کنند اما کمتر کسی می‌تواند «حسن رعیت»ها، «سعید مرتضوی»ها و «بابک زنجانی»ها و برخی دیگر از «کارچاق‌کن»ها را به این آسانی‌ها به جریان‌های سیاسی رقیب بچسباند.

آقای روحانی، گفته‌اید که نباید اجازه داد اندیشه یا نقدی زیرزمینی شود اما باید بدانید، در سال‌های گذشته زیرزمین‌های فراوانی پیدا شده تهران و خیلی دیگر از کلانشهرها، حیاط‌خلوت‌های کوچک و بزرگی یافته و مسیر اجرای اصل۴۴ پیچ‌وخم‌های اساسی داشته. گاهی هم به بیراهه رفته و از مسیر مستقیم خارج شده.

با این حال آغاز محکمه سعید مرتضوی، فرصتی برای روی‌آوردن به یک رویکرد کلان در سطح جامعه است، تلاش برای انتقال اقتصادها، آدم‌ها و روابط کلیدی زیرزمینی به روی زمین.

حالا پای او روی پوست موز رفته و باید درباره پرونده کهریزک و مسایل دیگر پاسخگو باشد. شاید محکمه امروز فرصتی باشد برای تامل درباره چرایی و چگونگی عملکرد افرادی چون او.

عده‌ای می‌گویند، مرتضوی مهره سوخته‌ای بیش نیست و حالا همه به نقد او روی آورده‌اند، اما سوال این است که چرا باید همه افراد مهره‌سوخته شوند تا نقدشان آغاز شود؟ دولت «تدبیر و امید» فرصتی برای درافتادن با زیرزمینی‌ها و تقویت عدالت میان روی زمینی‌ها است.

عکس: آیدین رهبر، شرق

مروری بر ماجراهای دادستان سابق تهران

امروز؛ موعد دادگاه مرتضوی

پنج پرونده گشوده در دستگاه قضایی دارد اما امروز به‌خاطر شکایت کارگرانی محاکمه خواهد شد که از او به اتهام «خیانت در امانت» به دادگاه شکایت کرده‌اند. خبر ممنوع‌الخروجی «مرتضوی» در ارتباط با پرونده تحقیق‌وتفحص مجلس از سازمان تامین‌اجتماعی بارها به گوش رسیده و حالا از سوی سخنگوی قوه‌قضاییه به‌طور قطعی تایید شده و اینطور که «محسنی اژه‌ای» خبر داده «برای مرتضوی احضاریه هم صادر شده است.»

دادسرای عمومی و انقلاب تهران با صدور اطلاعیه‌ای خبر داده که رسیدگی به پرونده تحقیق‌وتفحص از سازمان تامین‌اجتماعی و ارجاع آن به شعبه ۱۵ دادسرای کارکنان دولت آغاز شده. این اطلاعیه، تشکیل پرونده قضایی جدید برای «سعید مرتضوی» را تایید می‌کند. کارگران یک شرکت تولیدی در چابهار شاکیان اصلی امروز او هستند. این کارگران به‌عنوان بیمه‌شدگان تامین‌اجتماعی از «مرتضوی» به اتهام «خیانت در امانت و اختلاس» شکایت کرده‌اند. شاید اقدام نمادین این کارگران تلنگری برای دیگران باشد و احتمال می‌رود هزاران‌هزار شکایت اینچنینی از گوشه‌وکنار ایران راهی محاکم قضایی کشور شود.

اوراق محرمانه حفاظت اطلاعات قوه‌قضاییه در اختیار مرتضوی

البته گستره پرونده مرتضوی به همین‌جا ختم نمی‌شود. این‌روزها وکلای دادگستری برای آقای قاضی سنگ‌تمام گذاشته‌اند. «علیرضا دقیقی»، وکیل پرونده پالیزدار نیز مدعی شد: «دادستان سابق تهران در یکی از جلسه‌های بازپرسی پرونده پالیزدار در شعبه ۱۵ دادسرای کارکنان دولت، اسناد و اوراق محرمانه و سری حفاظت اطلاعات قوه‌قضاییه را از کیف خود خارج کرد بدون اینکه نامه رسمی برای نگهداری این اسناد و مدارک محرمانه قوه‌قضاییه داشته باشد.»

دادگاه مرتضوی امروز در شرایطی برگزار می‌شود که پرونده کهریزک، یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های او در حال حاضر در دیوانعالی، منتظر رای نهایی است. بزنگاه بعدی برای مرتضوی مربوط به محکمه‌ای خواهد بود که در آن «فاضل لاریجانی» درباره پخش فیلم در صحن مجلس از او شکایت کرده؛ شکایت «فاضل لاریجانی» به واقعه ۱۹ بهمن سال ۹۱ مربوط می‌شود و فیلم مستند و خش‌داری که «محمود احمدی‌نژاد» از مذاکره «سعید مرتضوی» و «فاضل لاریجانی» درباره آقای «ب.ز» منتشر کرد. مرتضوی از هفت‌خوان رستم نگذشته، به پرونده‌ای رسیده که بیش از هرچیز «فساد مالی» آن شهره آفاق شده. «سعید مرتضوی» از خیلی بزنگاه‌ها و پرسش‌ها آسوده گذشته تا امروز در محضر دادگاه پاسخگو باشد. پرونده او تا همین حالا ۸۰هزارصفحه و چندصدکیلو وزن پیدا کرده. او البته کارنامه‌ای پروپیمان‌تر از این حرف‌ها دارد و می‌توان گفت که در جریان تفحص صورت‌گرفته در چهار دوره مجلس، چهاربار متهم شناخته شده و هر چهاربار به‌شکلی قسر در رفته است.

حالا این‌بار «واپسین اتهام» پای او را به دادگاه باز کرده است. مجلس ششم در پی مرگ مشکوک «زهرا کاظمی»، خبرنگار کانادایی ایرانی‌تبار کمیته تفحص تشکیل داد و در نهایت در گزارش خود، «سعید مرتضوی» را در جریان مرگ کاظمی مقصر دانست. پلان دوم مربوط به سال ۱۳۸۷ است و حتی «انتحار قضایی» او در پرونده فروش سوالات کنکور و آمدن نام او در گزارش هیات تحقیق‌وتفحص از قوه‌قضاییه در مجلس هفتم هم راه به‌جایی نبرد. البته آن‌روزها ۲۰۸ نماینده مجلس هفتم در نامه به رییس قوه‌قضاییه وقت، «آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی»، خواستار تشکیل دادگاهی صالح، بیطرف و علنی برای رسیدگی به اتهامات سعید مرتضوی، دادستان تهران شدند. ردپای مرتضوی سپس در سال ۸۸ در پرونده تفحص از ماجرای پرونده کهریزک به میان آمد. ابعاد پرونده سنگین‌تر از اینها بود که بتوان به این سادگی‌ها پاپس کشید. سخنان مقام‌معظم‌رهبری درباره کهریزک و جنایت‌خواندن آن بر میزان پیگیری‌ها افزود تا در نهایت نام «سعید مرتضوی» در مقام «متهم» درج شده و او برای نخستین‌بار از کار قضاوت تعلیق شود. در مجلس هشتم گروهی مشغول تفحص درباره فاجعه بازداشتگاه کهریزک شدند و بر اساس گزارش کمیته حقیقت‌یاب مجلس که دی‌ماه سال ۸۸ در مجلس قرائت شد، فرد آمر در انتقال بازداشت‌شدگان به کهریزک، «سعید مرتضوی»، دادستان وقت تهران معرفی و تاکید شد؛ انتقال بازداشت‌شدگان ۱۸ تیر به کهریزک با «دستور و اصرار» سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران، صورت گرفته است. کمیته ویژه مجلس هشتم در این گزارش اعزام تعداد ۱۴۷نفر از دستگیرشدگان به بازداشتگاه کهریزک را غیرقانونی خواند و مسوولیت این امر را نیز با «سعید مرتضوی» دانست. اما آخرین پرونده‌ای که تا به امروز از مرتضوی روی میز دادگاه رفته، گزارش مجلس نهم درباره تفحص از سازمان تامین‌اجتماعی در سال ۹۲ است. پرونده امروز مرتضوی در قوه‌قضاییه در شرایطی پای دادستان سابق را به دادگاه کشانده که ریشه در حاتم‌بخشی‌ها، سوءمدیریت و بذل‌وبخشش‌های وافر او دارد؛ آن هم در دوره کوتاه چندماهه؛ مدیریتی که بدون تردید به منابع مالی سازمان تامین‌اجتماعی آسیب‌های جدی وارد کرده است. منابع مالی که صاحبان آن کارگران و حقوق‌بگیران دولت بوده‌اند و از جیب همان‌ها، میلیون‌هاتومان پاداش و کارت هدیه به این‌وآن داده شده است. «سعید مرتضوی» در شرایطی به ریاست سازمان تامین‌اجتماعی برگزیده شد، که در ارتباط با پرونده کهریزک متهم شناخته شده بود و حسب قانون نمی‌توانست بر سکوی ریاست تکیه زند اما با وجود مخالفت نمایندگان مجلس و رای دیوان عدالت اداری، او توانست با مجوز شخص احمدی‌نژاد به ریاستش بر سازمان ادامه دهد. حتی ریش‌سفیدی «غلامعلی حدادعادل» هم راه به جایی نبرد و او زیر قول شرفش زد؛ مهم این بود که احمدی‌نژاد با تمام توان پشت او و تصمیم‌گیری‌های او ایستاده بود و حالا در یک سکوت خبری فرورفته و در کمال تعجب به‌دنبال راه‌اندازی دانشگاه و تولید علم و آگاهی افتاده است.

کمک ۷میلیارد ریالی مرتضوی به موسسه خودش

مرور اسناد ۸۰هزارصفحه‌ای تامین‌اجتماعی نه در حوصله مخاطب است و نه در توان نوشتاری ما. اما نسبت به محورهای اساسی گزارش تفحص مروری هرچند مختصر می‌شود.

از کمک هفت‌میلیاردریالی سعید مرتضوی به موسسه خیریه‌ای که اصولا وجود خارجی ندارد و شخص از جزو هیات‌مدیره آن شرکت است تا کمک‌های مالی از جیب سازمان تامین‌اجتماعی به همسرش برای شرکت در انتخابات شورای شهر.

سعید مرتضوی خودش پیش‌پیش همه‌چیز را مستند کرده بود. بسیاری از مستندات امروز گزارش تفحص از سازمان تامین‌اجتماعی از دل ویژه‌نامه روزنامه خورشید درآمده است؛ ویژه‌نامه‌ای که در آن اسکن اغلب قراردادها آمده و حتی روایت حمایت‌گونه برخی نمایندگان مجلس از او و سیاست‌های کاری‌اش در سازمان تامین‌اجتماعی. جایی هم به واگذاری شرکت‌ها به بابک زنجانی اشاره شده و در جای دیگر هم تشکر تقدیرآمیز برخی کانون‌های کارگری از او درج شده.

دادگاه مرتضوی امروز در شرایطی برگزار می‌شود که پرونده کهریزک، یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های او در حال حاضر در دیوانعالی، منتظر رای نهایی است. حکم نخست دادگاه برای مرتضوی این بود؛ انفصال دایم از خدمات قضایی، پنج‌سال انفصال از خدمات دولتی و در نهایت پرداخت ۲۰۰هزار تومان جریمه نقدی

آگهی تشکر از گذشت شاکی کهریزک با پول تامین‌اجتماعی

یکی دیگر از حاتم‌بخشی‌های سعید مرتضوی ۸۲میلیون‌تومان پولی است که برای تشکر از پدر «مرحوم جوادی‌فر» از جیب سازمان تامین‌اجتماعی هزینه کرده. روی فاکتورها دستور «سعید مرتضوی» به چشم می‌خورد: «از محل غیرشمول با توجه به تایید روابط‌عمومی اقدام فرمایید.» بر اساس دستور شخص او «هشت» روزنامه هرکدام ۱۰ تا ۱۲میلیون‌تومان از سازمان تامین‌اجتماعی پول گرفتند تا آگهی تمجید کانون‌های کارگری از پدر«مرحوم جوادی‌فر» را منتشر کنند. «امیر جوادی‌فر» یکی از جان‌باختگان حادثه کهریزک بود که حالا تقدیر از بخشش پدر او به پرداخت هزینه‌های میلیونی به روزنامه‌ها منجر شده است. نکته دیگر در پرونده تفحص از تامین‌اجتماعی دوباره به حاتم‌بخشی‌های بی‌قاعده او اشاره دارد؛ کارت هدیه ۵۰میلیونی او برای معرف اصلی‌اش به دولت، یعنی محمدرضا رحیمی. اسنادی که «شرق» همین چندی پیش منتشر کرده نشان از آن داشت که «محمدرضا رحیمی»، «۵۰میلیون‌تومان کارت‌هدیه» دریافتی را نه به «ایتام» و «بیماران» که به پرسنل نهاد ریاست‌جمهوری بخشیده، آن هم در قالب «پاداش و جبران زحمات پرسنل نهاد و حوزه معاون‌اول.»

امضای مرتضوی و زنجانی پای قرارداد ۱۷هزارمیلیاردتومانی

دادگاه مرتضوی در شرایطی برگزار می‌شود که بابک زنجانی در اوین به سر می‌برد. یکی از اعضای کمیسیون امنیت مجلس گفته که مشایی عامل معرفی‌کننده زنجانی بوده اما در پی انتشار این خبر دفتر مشایی هرگونه ارتباط وی با بابک زنجانی را تکذیب کرد. در گزارش تفحص از تامین‌اجتماعی هم امضای سعید مرتضوی و بابک زنجانی پای قرارداد ۱۷هزارمیلیاردتومانی آمده است. البته پیش از این نادر قاضی‌پور در پاسخ به اینکه چه کسی بابک زنجانی را به مرتضوی معرفی کرد؟ به‌نام «دولت» اشاره کرده بود و در پاسخ به سوالی دیگر مبنی بر اینکه آیا منظور از دولت، رحیمی بوده، می‌گوید: «رحیمی هم یکی از اعضای دولت است.» اما حالا علاوه بر رحیمی، نام مشایی نیز به‌عنوان معرف زنجانی به تامین‌اجتماعی روی میز است. همچنین در گزارش ۸۴صفحه‌ای کمیته تفحص درباره «سورینت» چنین آمده: «هیات در روزهای اولیه به موضوعی دست یافت که تا روزهای پایانی کار خود بسیاری از وقت اعضای هیات را درگیر خود کرده بود. تفاهمنامه‌ای به شماره ۱۰۰۰/۹۱۵۳/۹۱ در تاریخ ۲۷ آذر سال ۹۱ بین سازمان هلدینگ سورینت قشم به مدیرعاملی بابک زنجانی منعقد شد. مطابق این تفاهمنامه مقرر شده بود تا سقف چهارمیلیاردیورو (معادل ین ژاپن) ۱۳۸شرکت متعلق به سازمان تامین‌اجتماعی- که اغلب موضوع تحقیق‌وتفحص بودند- به شرکت سورینت قشم واگذار شود.» تیم تحقیق‌وتفحص اشکال‌ها و نواقصی بر نحوه عقد این تفاهمنامه وارد دانسته.

واریز میلیون‌ها تومان پول به جیب مدیران

بخشی از گزارش مستند کمیته تحقیق‌وتفحص بر ارایه آمار و اطلاعات جزیی درباره مبالغ پرداخت‌شده در سال۹۱ و شش ماهه اول۹۲ متمرکز است. در میان مسوولانی که رقم‌های بالایی در قالب کارت هدیه دریافت کرده‌اند، می‌توان از معاون‌اول رییس دولت دهم نام برد. بر اساس این گزارش ۵۰۰میلیون‌ریال کارت هدیه اختصاصی به آقای رحیمی (تحویل به رییس‌دفتر آقای ترابی جهت مساعدت به ایتام و هزینه درمان و مراجعان با اولویت بیمه‌شدگان تامین‌اجتماعی)، یک‌میلیاردریال به آقای عباسی، سرپرست وقت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، یک‌میلیاردریال به آقای شیخ‌الاسلامی، معاون وقت اجتماعی رییس دولت و مجددا ۵۰۰میلیون‌ریال کارت هدیه به آقای عباسی، سرپرست وزارتخانه، یکصدمیلیون‌ریال کارت هدیه به امیدی شهرکی، مدیرعامل ایرنا، ۵۰میلیون‌ریال کارت هدیه به صدوقی، دبیر هیات دولت، صدمیلیون ریال به شیرمردی، در ستاد نمازجمعه تهران، صدمیلیون‌ریال به‌صورت هدیه به پرسنل نهاد ریاست‌جمهوری، صدمیلیون‌ریال کارت هدیه به آقای سفیدی، مدیرمسوول روزنامه آرمان و صدمیلیون‌ریال بن فروشگاه رفاه به دکتر امینی، مدیرعامل خبرگزاری موج پرداخت شده است. در ادامه گزارش نیز از اعطای یک‌میلیاردریال وام قرض‌الحسنه به آقای شیخ‌الاسلامی، معاون اجتماعی وقت رییس دولت-حسب مصوبه هیات‌مدیره سازمان واریزی ۱۲مرداد۹۲- آمده است.

تسهیلات ۵۰۰میلیون‌ریالی برای مرتضوی و دوستان

گزارش کمیته تحقیق‌وتفحص در این بخش شامل ۳۰بند می‌شود و مدام به اسامی افراد و موسسه‌هایی اشاره شده که پول‌های کلانی دریافت کرده‌اند. در بند۲۴ این گزارش هم آمده که: «در سال ۹۱ مدیرعامل و تمامی اعضای هیات مدیره شامل آقای سعید مرتضوی، صمدالله فیروزی، بهنام پرهیزکار، علیرضا عسگریان، نورالدین شهنازی‌زاده، علیرضا کوچک‌سرایی و عزیز دولتخواه هرکدام ۵۰۰میلیون‌ریال تسهیلات قرض‌الحسنه دریافت کرده که در این موضوع در سال‌های قبل به‌جز سه‌فقره وام ضروری و ودیعه مسکن، فقره دیگری مشاهده نشد.»

هدایای مرتضوی برای ۳۷نماینده مجلس

کابوس کارت هدایای مرتضوی برای نمایندگان تمامی ندارد، هرچند «علیرضا محجوب» بارها اعلام کرده شاید هیچ اسمی در میان نباشد و مرتضوی ۳۷ کد نمایندگان را تنها برای بدنام‌کردن مجلس رو کرده باشد. اما حالا رییس کمیسیون اصل۹۰ خبر می‌دهد که نام ۱۵۰نماینده از سوی مرتضوی به این کمیسیون تحویل داده شده و آنها نیز اسامی را به قوه‌قضاییه خواهند فرستاد. علاوه بر این مصوبه‌ای در کمیسیون اصل ۹۰ به تایید اعضا رسیده که بر اساس آن هرگونه دریافت کارت هدیه از سوی نماینده غیرقانونی اعلام شده و سازمان‌ها می‌توانند هدایا و کارت هدیه را از برخی کانال‌ها مستقیم به نمایندگان برسانند. در بند ۲۷ این بخش از گزارش نیز آمده: «مبلغ یک‌میلیاردو۳۵۰ریال «کارت هدیه» حسب اسناد ثبت‌شده مالی از بودجه در اختیار مدیرعامل سازمان به ۳۷نماینده مجلس (با درج کد در اسناد و بدون ذکر مشخصات) در اردیبهشت سال‌جاری، سند خورده است. در مذاکره حضوری با مرتضوی نیز ایشان اعلام کرد به شرط عدم افشای هویت نمایندگان، فهرست مربوط را تحویل رییس هیات می‌دهد. پاسخ رییس هیات نیز به سعید مرتضوی این بود که هیچ سندی در تحقیق‌وتفحص محرمانه نخواهد بود.»

اینک که پرونده مرتضوی آنقدر سنگین شده که امکان دارد خیلی پاراگراف‌های آن از قلم افتاده باشد. اما وجدان آگاه رسانه‌ها و افکار عمومی از همین امروز تا پایان رسیدگی به تمامی پرونده‌های باز و بسته او، در لابه‌لای تمامی اخبار پیگیر ماجرا خواهند بود.

روزنه

مشاور وزیر نفت:

هیچ معامله‌ای با زنجانی در دولت روحانی انجام نشده است

● دومیلیاردیورو بدهی در هفت‌ماه. مسوول رسیدگی به پرونده بابک زنجانی در وزارت نفت گفته: «شروع حضور آقای بابک زنجانی در معاملات نفتی به خرداد سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد و از تاریخ یکم دی ۱۳۹۱ هم وزارت نفت دیگر با او هیچ معامله‌ای نداشته است.» عبدالرحمن ندیمی‌بوشهری، مشاور وزیر نفت در گفت‌وگو با «ایسنا» درباره علت حضور بابک زنجانی در معاملات نفتی نیز گفته: «در شرایط فشارهای ناشی از تحریم و لزوم پذیرش ریسک، به تشخیص مقامات وقت وزارت نفت و بانک‌مرکزی برای عبور از این شرایط دشوار، فروش نفت به او انجام گرفت.» مشاور وزیر نفت گفته: «بهتر است علت این مساله را از خود این عده سوال کنید ولی همان‌طور که در سوال اول پاسخ داده شد، آخرین معامله وی در سال ۱۳۹۱ بوده و آنچه مسلم است نه‌تنها هیچ‌گونه معامله‌ای با زنجانی در دولت آقای روحانی صورت نگرفته، بلکه به‌شدت از ابتدا پیگیر وصول مطالبات دولت بوده‌ایم و تا وصول نهایی آن پیگیری خواهیم کرد.» عزت‌الله یوسفیان‌ملا، نماینده مجلس و عضو ناظر مجلس در ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز از تشکیل دوتیم ویژه در دادستانی تهران و سازمان بازرسی برای پیگیری پرونده زنجانی خبر داده و به «فارس» گفته: «کارشناسان دادستانی و سازمان بازرسی برای بررسی اسناد ارایه‌شده از سوی زنجانی به کشورهای روسیه و تاجیکستان سفر می‌کنند.»

ادامه از صفحه اول

تقویت اعتماد به نفس دیپلمات‌های هسته‌ای

چنانچه حمایت‌های مقام‌معظم‌رهبری تابه‌حال نبود، این گروه زیر بار مسوولیت سنگین در این مقطع زمانی، کمر خم کرده و از پیشروی تا همین حد هم عاجز بود. با وجود دانستن اطلاعات کامل وضعیت کشور، کم‌توجهی بعضی مسوولان و نمایندگان مجلس که به‌خوبی به منافع ملی فعلی کشور واقفند- جای تعجب دارد و تنهاگذاشتن تیم هسته‌ای در این شرایط به‌دور از انصاف به‌نظر می‌رسد. باید بدانیم که از دست‌رفتن اعتماد به‌نفس مذاکره‌کنندگان، به‌نفع هیچ فرد و گروه سیاسی‌ای که به منافع ملی کشورشان فکر می‌کنند، نیست. نباید بحث‌ها افکار عمومی را از اجرای توافقنامه که یک ضرورت است، دور کند بلکه باید با نظارت بر کار مذاکره‌کنندگان آنان را نسبت به تامین منافع ملی کشور بیشتر و بیشتر راهنمایی کرد تا دستاوردهای دانشمندان هسته‌ای که با خون دانشمندان ما، مهر تایید به آن زده شده، همچنان به‌عنوان افتخار حفظ شود و باقی بماند. آثار مثبت اقتصادی توافق ژنو به‌مرور انشاءالله خود را باید در اقتصاد نمایان سازد. توافق ژنو که بازده زمانی شش‌ماهه را برای اجرای آن در نظر گرفته‌اند از یکسو فعالیت‌های هسته‌ای ایران را محدود و بدون افزایش ظرفیت‌های فعلی و از سوی دیگر کاهش برخی تحریم‌ها از سوی ۱+۵ علیه ایران را تعریف کرده است. یکی از آثار توافق ژنو را می‌توان به‌وجودآوردن مانعی جهت استفاده از ورود و زورگویی توسط آمریکا تلقی کرد. شکستن اجماع بین‌المللی علیه ایران اسلامی از دیگر دستاوردهای مهم این توافق است که درهرحال چه این اقدام مشترک به نتیجه برسد و چه شکست بخورد به‌نفع جمهوری اسلامی ایران رقم خورده است. از دیگر دستاوردهای این توافق می‌توان به راندن تندروها به عقب جهت جلوگیری از هر نوع کارشکنی در راه رسیدن به توافق‌هایی بین ایران اسلامی و ۱+۵ اشاره کرد.

اولین گام‌ها برای درمان دردی مزمن

به‌نظر من موضوع وقتی بغرنج می‌شود که ما به جای آنکه به فکر درمان دردمان باشیم، آن را کتمان می‌کنیم و اصلا نمی‌خواهیم این مشکل را ببینیم و طبیعی است تا زمانی که مشکل را منکر می‌شویم، نمی‌توانیم آن را درمان کنیم. اما در مورد راه‌حل معضل مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها تاکنون راه‌حل‌های زیادی ارایه شده است اما به گمان من بدترین راه‌حل این است که درهای کشور را ببندیم و مانع خروج جوانان از کشور شویم. ما به هیچ وجه نمی‌توانیم و نباید مانع خروج جوانان از کشور شویم. بلکه بهتر آن است که امکان شکوفایی استعدادها را در داخل کشور فراهم کنیم که متاسفانه تاکنون چندان به فکر آن نبودیم. من متاسفم که بگویم اگر ما بنیاد ملی نخبگان را تاسیس کردیم، اما آنچنان که باید و شاید به وظایفش عمل نمی‌کنیم و از آن طرف بسیاری گمان می‌کنند حال چون چنین بنیادی وجود دارد و در فکر نخبگان هست و خود همین موضوع باعث می‌شود که در واقع در فکر نخبگان نباشیم و در عمل، جلو رشد و شکوفایی نخبگان واقعی گرفته شود. ما در تمام دوران پس از انقلاب، کمترین کار را برای نخبگان و پرورش استعدادهای آنان انجام دادیم. خاطرم هست که در میانه دهه۶۰، شورایی به نام شورای جذب و حفظ نخبگان تشکیل شد که اینجانب هم عضو آن بودم و شاهد هستم که در تمام این مدت در مورد این موضوع بحث می‌شود. اکنون با قاطعیت می‌گویم ما در سال‌های اخیر و به‌ویژه در ۱۰سال گذشته، درباره نخبگان و آینده آنان از همه کمتر کار کردیم و کمترین امتیازها را به آنان اختصاص دادیم و به خودمان زحمت ندادیم که درباره این موضوع فکر کنیم که چگونه می‌توانیم استعدادهای جوانان شایسته‌مان را در داخل کشور، شکوفا کنیم. با نهادی مانند بنیاد ملی نخبگان نمی‌توان به چنین هدفی دست یافت زیرا تجربه سال‌های گذشته‌مان، این موضوع را اثبات می‌کند. برای مثال تا زمانی که یکی از روسای دانشگاه‌های ما می‌گوید حتی «اینشتین» هم برای دانشگاه‌های ما مناسب نیست و اگر او می‌آمد، من استخدامش نمی‌کردم، دیگر چگونه ما می‌توانیم از جذب، حفظ و شکوفایی نخبگان صحبت کنیم!